



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



09/24/2022

محمد صالح گردش

اسلام دیروز و امروز

اسلام دیروز همه خوبی هایش در باور های ساده و عمل نیک و صداقت پیروانش بود و دگر سالهاست که خوبی های این آئین فقط در شعار باقیست و بس. از همین است که اسلام دیروز و مسلمانان دیروزی را دوست دارم. در دوران پدران ما مسجد جای عبادت بود، محل تجمع اهالی کوچه و گذر بود. در بین دو نماز عصر و شام بزرگان محل در کنار هم می نشستند و به سخن و درد دل های یکدیگر گوش می دادند و گاهی هم به شور و مشوره می پرداختند و مشکلات بینی بعضی از خانواده ها را پیش از راه افتادن دعوا به محاکم، به حل و فصل می رساندند. در آن زمان ها مهر و محبت بود مکر و ریاکم بود. اما از زمانی که اسلام به سوی سیاسی شدن رفت و امور بدست مکاران و تاجران سیاسی دین افتاد، آئین و آئین داری نیز لکه و لطمه برداشت.

پایه های اسلام دیروز با محبت و عشق به خدا و مخلوقش استوار بود ولی در طول اینهمه سال ها از بس از باور های پاک و ساده مردم استفاده های سوء صورت گرفت که آتش عشق در سینه ها چون گذشته مشتعل و برافروخته نماند و به خاکستر مبدل شد و این واقعیتی است که باید به آن تن داد و اعتراف نمود.

حالا مسجد جای غیبت و ترس و تشویش و سیاست است تا جای آرامش فکر و روان و رسیدگی به مشکل برادر و خواهر مؤمن!

گذشته از موضوعات دیگر، باور به خدا یک نیاز فکری و عامل آرامش روان انسان هاست و از همین است که خداوند در هر مقطع زمانی پیامبری را غرض سمت و سو دهی و تسکین روان و رهنمایی بندگان فرستاده است. پس این آرامش را نباید در بدل بدست آوری مادیات از بندگانش به مکر و ریا گرفت، یا به صداقت باور های شان با روش و اعمال فریبکارانه لطمه وارد نمود. و باید گذاشت تا مردم با ایده و افکار ساده و بسیط شان به خدای خود بپردازند و اعتقادات ساده شان را با رشته مقولات فلسفه و سیاست نباید بافید. به گفته علامه اقبال:

به پیچ و تاب خرد گرچه لذت دگر است

حدیث ساده دلان به ز نکته های دقیق

موضوع زیر را در جایی خواندم که بی رابطه به موضوع مطروحه بالا نیست و در اینجا می آورم:

در دهکده ای کوچک (کوه ورنون) در ایالت تگزاس آمریکا، یک سرمایه دار بزرگ تصمیم گرفت یک کاباره در کنار کلیسای باپتیست بسازد.

مسئولین کلیسا با ارسال نامه هایی به شهرداری و همچنین با دعا و نیایش علیه ساخت کاباره در کنار کلیسا، کمپینی را علیه این ساخت و ساز و صاحب آن آغاز کردند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غږه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

اما کار ساخت کاباره بخوبی در حال پیشرفت بود، ولی هنگامی که ساخت آن تقریباً پایان یافته و در شرف افتتاح بود، در یک شب طوفانی صاعقه به ساختمان کاباره برخورد کرد و آن را از بیخ و بن ویران ساخت.

پس از آن اعضای کلیسا پیروزی خداوند بر شیطان و پاسخ او به دعاهای مومنین را جشن گرفتند و اما صاحب کاباره، طی شکایتی علیه کلیسا و اعضای آن خواستار دو میلیون دلار به عنوان غرامت به این دلیل که کلیسا با التماس و توسل به دعا و نیایش خود مسئول از بین رفتن سرمایه اش بصورت مستقیم یا غیر مستقیم بوده‌اند، شد.

در دادگاه، کلیسا با استناد به اظهاراتی که توسط پروفسور دکتر هربرت بنسون از دانشگاه هاروارد ایراد شد، و تأیید می کرد که دعا و نیایش کشیش و کلیسا هیچ تأثیری بر روند خرابی کاباره نداشته، تیرئه شد و کلیسا همه مسئولیت خرابی کاباره را رد کرد و هرگونه ارتباط بین دعاهای خود و ویرانی کاباره یا رویدادهای دنیوی قبل و بعد از آن را انکار کرد.

قاضی استنفورد که به موضوع رسیدگی میکرد در حین صدور حکم گفت: « نمی‌دانم آیا این پرونده را درست قضاوت کرده‌ام یا نه، اما از روی شواهد و مدارک به نظر می‌رسد که ما یک فرد گناهکار کاباره‌ساز داریم که به قدرت دعا و نیایش اعتقاد کامل دارد و با حرارت از آن دفاع می‌کند و یک کلیسا با تمام پیروان و اسقف و کشیش داریم که به دعا و نمازی که خود میخوانند هیچ گونه ایمان و اعتقادی ندارند.»

پس ازین درجه، آنهایی که به دعا و نماز باور داشتند و دارند، ملت و مردم ساده و بی‌آلایش ماست و کسانی که به این موارد، هیچگونه باورمندی نداشته و ندارند پیشوایان سیاسی دینی ما بوده‌اند که تمام شان در طول این چهل و اند سال با کردار و گفتار شان اثبات نمودند که آنچه می‌گفتند و انجام می‌دادند، خود باور نداشتند. همانها بچه‌های مردم را به شهادت و جنگ غرض رضای خدا تشویق و ترغیب می‌کردند، اما فرزندان خودشان، اعم از دختر و پسران شان، در آسترالیا و انگلیس و امریکا و دوبی با عشق و عسرت بسر می‌بردند. معماران جامعه یعنی معلمین را واجب القتل می‌دانستند و مکاتب را آتش می‌زدند و اما فرزندان خود و اقارب خود را به کشور های دیگر غرض تحصیل می‌فرستادند. دیگران را به ثواب و مزیت خوردن نان خشک جوین تشویق می‌کردند و اما فرزندان خودشان از سیری کباب و پلو و میوه و نوشابه‌ها آروغ ترش می‌کردند.

پس دگر نباید فریب پیشوایان مکار سیاسی دینی را خورد و اجازه داد که باز بنام دین و قوم و زبان توسط آن مکاران فدا و قربانی سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن ایشان و بادران شان گردیم.

پایان